**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه بیستم\_28 آبان 1397**

مرحوم آخوند رضوان الله تعالی علیه در دو جای کفایه یکی اوائل بحث حجیت خبر واحد در بیان آیاتی که به آن آیات استدلال شده است بر عدم حجیت، و یکی هم بعد از ذکر سیره به عنوان دلیل حجیت خبر در کفایه آیات ناهیه از ظن را مطرح فرمود.

در حاشیه رسائل مرحوم آخوند، صفحات 58، 59، 63، 71، 72 باز هم بحث آیات ناهیه از ظن را مطرح فرموده است و جواب هایی داده است. آن چه من الان عرض می کنم، توضیحی است مفصل با اضافاتی که مراد ایشان روشن کند، در همه این مواردی که نام بردم یعنی دو جای کفایه و چند مورد از حاشیه رسائل. ذیل 9 نکته با بیان بنده:

1. احکام فقهیه و فرعیه خروج تخصصی دارند از آیات ناهیه، اصلا آیات ناهیه شامل احکام فقهی فرعیه نیست. آیه ارشاد است به یک امر مسلم و آن این که آن جا که باید قطع باشد، آن جا که باید یقین داشته باشی، ظن کفایت نمی کند. و آن جا امور اعتقادی است. آیه ارشاد به این نکته است چون صدر و ذیل آیات را ببینید، مورد آیات را ببینید به این نکته پی میبرید.
2. بگوییم احکام فقهیه فرعیه از تحت آیه خارج است، چرا که آیه اطلاق ندارد، که هم اصول دین را بگیرد و فروع فقهیه را. چرا اطلاق ندارد؟ چون مشتمل است بر ما یحتمل للقرینیة و جزء مقدمات حکمت عند الکل، این است که اطلاق وقتی است که محتمل القرینه ایی در کار نباشد، پس حتی اگر آیه را ارشاد هم نگیرید، باید به قدری که از آیه استفاده می شود که آن قدر متیقن است اکتفا کنیم، نه فقط بر مبنای من آقای آخوند، بلکه همه؛ چون آیه مشتمل است بر محتمل القرینیه و ان اینکه در ذیل آیا مربوط به اعتقادات وارد شده است.
3. ما بگوییم احکام فقهیه فرعیه از تحت آیه تخخصا خارج است و حق اطلاق گیری نداریم، بر مبنای من آخوند، که می گوییم قدر متیقن در مقام تخاطب مانع از انعقاد اطلاق است. اینج هم مقام تخاطب مقام اعتقادات است. پس باز شد خروجا تخصصی.
4. بگوببم احکام فقهیه فرعیه از آیه خارج است تخصصا و آیه ظهور انصرافی دارد به ظنی که لم یقم علی اعتباره حجة. آیه در مقام توبیخ کسانی است که از ظنونی پیروی می کنند که دلیلی بر حجیتش ندارند. وقتی مثل خبر واحدی که بر احکام فقهیه بار است از تحت آیه خارج است چون من گفتم قام علی اعتباره حجة. اگر من آقای آخوند توانستم دلیل بیاورم بر حجیت خبر واحد این آیه اصلا ناظر به آن جا نیست. حال تعبیر می کنید به تخصص یا مثل بعضی هم تعبیر می کنید به ورود هم باز مشکلی نیست.
5. اگر هم این انصراف را قبول ندارید. من از راه قدر متیقن در مقام تخاطب وارد می می شوم و می گویم گفت و گوی خدا با این گروه از این مشرکین در بارۀ چه ظنی بوده است؟ قدر متیقن در مقام تخاطب ظنی است که لم یقم علی اعتباره حجة.
6. خروج خبر واحد از تحت این آیه را با یک قرینه اثبات می کنیم و آن این است که اگر بنا باشد، خبر واحد حجت نباشد، یا شما بگویید ما اصلا در عالم تکلیف نداریم یا تکلیف داریم و راه رسیدن به تکالیف هم همین اخبار آحاد است، اگر خبر واحد ظنی باشد که لا یغنی من الحق شیئا، یا باید بگوید لیس لنا تکلیف یا باید حتی سراغ پایین تر از خبر واحد هم برویم. پس آیه مربوط به ظنی است که ما ناچاریم از عمل بر طبق آن ظن. این ظن مطرح نیست. به این قرینه می گویم آیه منصرف است و ظهور دارد در ظنی که لا بدیت از عمل بر طبق آن ظن نیست.
7. اگر این ادعای انصراف من را قبول نکردید باز می گویم قدر متیقن در مقام تخاطب غیر ظنی است که از راه خبر واحد حاصل بشود.
8. اگر همه حرف های من را هم رد می کنید خروج را نه به تخصص می دانید و نه به ورود. خب مثل شیخ اعظم می گویم خروج به تخصیص است. ادله حجیت خبر واحد آیه را تخصیص می زند.
9. اگر نه تخصص و نه ورود و نه هیچ یک دیگر را قبول نکردید، و این آیه را رادع از خبر واحد مثل سیره بدانیدو عرض می کنم دور کلمه رادع را خط بکش، چون دور می شود. این آبیه هر معنایی داشته باشد نمی تواند رادع از سیره بر عمل بر خبر واحد باشد؛ چون دور به وجود می آید.

به عبارت خودم دور را تفسیر می کنم. یک وقت هست رادع اینگونه است که شما سیره دارید بر حجیت خبر واحد و آیه بگوید الخبر الواحد لیس بالحجة. این گونه بیاید منع کند از خبر واحد. یا بروم پیش امام بگوید عمل نکن خب این می وشد رادع باشد.

اما همین خبر واحد را میخواهی با چه چیزی ردع اش کنی؟ با یک عمومی مثل ان الظن لا یغنی من الحق شیئا. نگفت خبر الواحد ظنٌ و ان الظن لا یغنی من الحق شیئا بلکه گفت ان الظن لا یغنی من الحق شیئا.

من آقای آخوند میخواهم بگویم این کار شدنی نیست که بگویی خبر واحد ظنی است و ظن هم لا یغنی من الحق شیئا.

چون اگر ان الظن لا یغنی من الحق شیئا شامل خبر واحد ، نباشد، آیه توان ردع ندارد.

پس الردع متوقف علی احراز العموم فی الآیه و این که کلمه ظن شامل خبر واحد هم میشود.

فتحصل من جمیع ما ذکرناه: به نظر مرحوم اخوند اولا می توان یا به نحو تخصص یا به نحو تخصیص خبر واحد را از تحت آیه خارج دانست. ثانیا اگر هم این ها را قبول نکنید، این آیه توان ردع را ندارد؛ چون الردع متوقف علی احراز العموم و احراز العموم متوقف علی الردع فالردع متوقف علی الردع.

این شرح و بسط ما از تمام فرمایش آخوند.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.